

دوفصلنامه ادبیات حماسی، دانشگاه لرستان
سال اول، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳

بررسی و تحلیل محتوایی اشعار سروده شده در رثای امام حسین (ع) در عصر عباسی

محمدحسن فؤادیان*
دانشیار دانشگاه تهران
عبدالوحید نویدی
دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران

چکیده

قیام امام حسین (ع) از نظر تولید شعری و فکری در میان همه قیام‌هایی که در تاریخ اسلام به وقوع پیوسته، جایگاه اول را به خود اختصاص داده است. شدت فاجعه به اندازه‌ای است که اشک و احساس شاعر را بی‌اختیار به جوشش وامی‌دارد و در قالب شعر و ادب سرازیر می‌کند.

با توجه به اینکه رثا یکی از مهمترین اغراض شعر حسینی در همه دوره‌ها به شمار می‌آید، مقاله پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی محتوایی اشعار سروده شده در رثای امام حسین در شعر شعرای عصر عباسی می‌پردازد. از جمله نتایج این پژوهش می‌توان به غلبه جنبه رثایی اشعار حسینی، اشتراک و اختلاف در برخی اغراض، صراحت لهجه شاعران شیعی، ربط حادثه کربلا به شورای سقیفه و مقابله شاعران اهل بیت و تهاجم سخت آنان با برخی از شاعران وابسته به دولت عباسی اشاره نمود.

کلید واژه‌ها: امام حسین (ع)، عصر عباسی، شعر، رثا، کربلا

* تاریخ وصول مقاله: ۹۳/۱/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۵/۲۲
نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: anavidi@ut.ac.ir

مقدمه

مرثیه در لغت، گریستن بر مرده و ذکر محامد وی و نوحه‌سرایی و تأسف از درگذشت او را می‌گویند و یا مرثیه، ساختن شعری در رثای کسی است که جهان را بدرود گفته و به دیار باقی شتافته است. (محمدزاده، ۱۳۸۳ ش، ج ۳۲: ۱)

در اصطلاح ادب، رثا یکی از فنون ادبی است که با روحیات و احساسات شاعر مرتبط است. موضوع این فن غالباً فرد متوفی و ذکر خصائل نیک اوست و صداقت بارزترین ویژگی آن است. چنانچه از یکی از اعراب سؤال شده که چرا شما رثا را صادق‌ترین فنون می‌دانید؟ در پاسخ گفت: چون دل ما انسان‌ها هنگامی که از مرگ کسی به رنج می‌آید، به وصف و مدح وی می‌پردازیم و طبیعی است که کسی از مرده اجری نمی‌طلبد و هر آنچه که بدون چشم داشت باشد، صادق‌تر است. (ابن رشیق، ۱۹۸۱ م: ج ۱، ۲۱۴) به طور کلی رثا عبارت است از گریستن بر میت و ابراز اندوه بر فقدان عزیز از دست رفته و اظهار تأسف از مرگ او و بر شمردن فضایل و ذکر نیکویی او و سرانجام بیان اینکه مرگ امری است محتوم و هیچ کس را گریزی از آن نیست. (ضیف، ۱۹۷۹ م: ۹)

عبدالحسیب درباره فاجعه کربلا می‌گوید: واقعیت این است که شهادت امام حسین این‌گونه فجیع- آن هم امام حسینی که آن منزلت بزرگ را میان مسلمانان داشت و والایی و دیانت وی نزد همگان محرز بود- گریزی نیست که عواطف را برانگیزد و احساسات را تحت تأثیر قرار دهد. این حادثه عظیم مردم را از خود بی‌خود کرده و حتی بر امویان نیز تأثیر گذارده و افکارشان را آشفته نموده و در نهایت سخن گفتن از این حادثه، کار ملت‌ها و سخن انجمن‌ها شد. (طه، ۱۳۸۸ ه: ۱۵۹)

شاعران شیعی پرداختن به واقعه عاشورا را بر خود فرض می‌دانستند که این امر، جدای از محبت حضرت سیدالشهدا، یقیناً ریشه در تأیید و تشویق و سفارش حضرات ائمه معصومین (ع) در به تصویر کشیدن و احیای همیشگی ظلمی دارد که بر امام حسین (ع) رفته است. امام صادق در این باره فرموده‌اند: «من قال فینا

بیتا من الشعر بنی الله له بیتا فی الجنة» (شُبَّر، ۱۹۸۸م: ج ۱، ۲۱) هر کس یک بیت شعر درباره ما بگوید، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او می‌سازد. شعر رثای حسینی از یک سو- به طور خاص- موضعگیری درونی شیعیان را به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر- به طور عام- تصویری از موضعگیری مسلمانان را به نمایش می‌گذارد. این شعر سرشار از غم و اندوه است و در آن نه خواری و ذلتی وجود دارد و نه روحیه شکست‌پذیری. حزن بودن شعر رثای حسینی امری است طبیعی و معقول. زیرا از عاطفه و ضمیری صادقانه نشأت می‌گیرد. این شعر علاوه بر عنصر عاطفه، دارای انگیزه‌های دینی نیز می‌باشد و سرشار از روح عزت و انتقام و دارای معانی قوی و تهدیدکننده است. (شمس‌الدین، ۲۰۰۸م: ۲۱۱)

سوالات تحقیق

- ۱- شعرای حسینی تا چه اندازه توانسته‌اند حادثه غمبار کربلا را در حافظه تاریخی شیعی بلکه همه جهانیان ثبت و ضبط کنند؟
- ۲- اشعار سروده شده درباره امام حسین بیشتر جنبه رثائی دارند یا جنبه انتقامی و خونخواهی؟
- ۳- آیا نگاه شعرا به حادثه عاشورا نگاه یکسانی بود یا جنبه‌های متفاوتی را در نظر می‌گرفتند؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- شعرای حسینی با تصویرسازی‌ها منسجم و اثرگذار از رویدادهای جانگداز کربلا، در حفظ و ثبت آن حادثه در حافظه تاریخی شیعه و جهانیان، نقش بسزائی ایفا کردند.
- ۲- با بررسی اشعار بسیاری از شعرای حسینی مشخص می‌گردد که جنبه رثائی بر بیشتر اشعار شعرای حسینی حاکم است.

۳- نگاه شعرا به حادثه عاشورا، نگاه یکسانی نیست و شعرا در قصائد خود جنبه‌های مختلفی را در نظر گرفته و پیام‌های متفاوتی را به خوانندگان منتقل کرده‌اند.

از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، عبارتند از:

۱) کتاب «امام حسین در شعر معاصر عربی» تالیف انسیه خزعلی که به صورت اجمالی در فصل دوم کتاب خود، به برخی ویژگی‌های شعر رثای حسینی در همه دوره‌ها پرداخته است.

۲) کتاب «واقعة كربلاء فی الوجدان الشعبی» تالیف محمد مهدی شمس‌الدین که در لابه‌لای کتاب خود و به صورت پراکنده به بعضی از ویژگی‌های رثا در دوره‌های مختلف اشاره نموده است.

۳) مقاله «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه: بررسی تطبیقی شعر حماسی-آیینی عاشورایی در گستره ادبیات عربی و فارسی» از سید حسین سیدی و هوشنگ استادی. نویسندگان در این مقاله ابتدا به جایگاه شعر عاشورا در گستره ادبیات عربی و فارسی پرداخته و سپس درباره دوره‌های تاریخی شعر حماسی-آیینی عاشورایی در دو ادب عربی و فارسی سخن رانده‌اند. اما مقاله فراروی شما، با نگاهی به پژوهش‌های گذشته، به انجام پژوهشی جامع درباره ویژگی شعر رثای حسینی در دوره عباسی پرداخته است.

رثای حسینی در عصر عباسی

آثار و نشانه‌های قیام امام حسین، در مراثنی شهدای کربلا و شعر ندامت و پشیمانی از عدم یاری فرزند رسول خدا آشکار و نمایان است. البته اشعاری که در دوره اولیه بعد از قیام، در رثای امام حسین و شهدای کربلا سروده شده، اندکند که دلیل آن ترس شاعران از ظلم و ستم فراگیر و همه جانبه امویان بود که تمام تلاش خود را به کار می‌گرفتند تا آثار و پیامدهای انقلاب را از بین ببرند. زیرا آنها کاملاً از تأثیری که این اشعار در تحکیم ارتباط دین و مبارزه، و آمیختگی عاطفه و جهاد داشت، آگاه بودند. بنی‌امیه بعد از شهادت امام حسین به حکومت مطلق

نائل آمدند و برای تصاحب قدرت و حکومت همه چیز و همه کس را قربانی می‌کردند و هر کس را که سر راهشان و مزاحم کارشان بود، از میان برمی‌داشتند. پس از آنکه حکومت امویان از بین رفت، در فاصله کوتاهی برای شیعیان مجال و فرصتی فراهم شد که برای زیارت قبر شریف امام به کربلا مشرف شوند و اطراف حرم سیدالشهدا مجالس نوحه‌سرایی به‌پا کنند. شعرا نیز دست به کار شده و حزن و غم و اندوه خود را در قالب شعر بیان کرده و یاد و خاطره آن روز دردناک را بازگو نموده‌اند. اما متأسفانه این فرصت کوتاه به حکومت عباسی ملحق شد و مقابله آنان با نهضت حسینی بیشتر از مقابله امویان در برابر آن بود و کاری را که عباسیان با زائران و قبر مبارک امام حسین(ع) کردند، امویان در زمان سلطنت خود انجام ندادند. (شهرستانی، ۱۴۰۳: ۲۲۶)

الف) ویژگی‌های شعر رثای امام حسین در عصر عباسی اول (قرن دوم و سوم)

۱- الف) رثا و نوحه سرایی

رایج‌ترین ویژگی شعر حسینی در این دوره، رثا و نوحه سرایی است. وضعیت شاعران در این دوره بهتر از دوره بنی‌امیه نبود. شعر این دوره نیز دردمند و اندوهناک است اما ندای انتقام از امویان تا حدودی در شعر رثای حسینی این دوره کاهش یافت و جای خود را به شعر اندوه داد. دعبل خزاعی (۲۴۶-۱۴۸ هـ) می‌گوید بر مولایم امام رضا(ع) وارد شدم، وی را ناراحت و غمگین دیدم. سپس به من گفت: دوست دارم که برایم شعری بسرایی که ایام محرم، زمان اندوه ما و شادی دشمنانمان به ویژه امویان است.... آنگاه برخاستند و فرمودند: ای دعبل! بر حسین مرثیه بخوان. زیرا مادامی که زنده‌ای، یاور و مدّاح ما هستی و تا می‌توانی در یاری کردن ما کوتاهی مکن. دعبل گریست و اشک از چشمانش سرازیر شد و شروع به سرودن کرد:

أَفَاطِمُ لَوَحِلَتِ الْحُسَيْنِ مُجَدَّلًا وَقَدَمَاتِ عَطَشَانًا بِشَطِّ فُرَاتٍ
إِذَا لَلَطَمَتِ الْخَدَّ فَاطِمٌ عِنْدَهُ وَأَجْرِيَتْ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ

أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا بِنْتَ الْخَيْرِ وَانْدُبِي نُجُومَ سَمَآوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاةٍ

(دیوان، ۱۹۸۹م: ۱۳۹)

ای فاطمه اگر حسین را در حالی که بر روی زمین افتاده و تشنه لب در کنار شط فرات جان سپرده، به یاد آوری / ... در این صورت بر گونه‌هایت سیلی می‌زدی و اشک چشمانت را بر رخسارت جاری می‌ساختی / ای فاطمه برخیز! ای دخت بهترین همه انسان‌ها! مویه کن بر ستارگان آسمان‌ها که در سرزمینی خشک و بی‌آب و علف افتاده‌اند.

۲- الف) انتقام و خونخواهی عباسیان از امویان

در بعضی از اشعار، شاعرانی را می‌بینیم که خوشحالند از اینکه عباسیان انتقام خون شهدای کربلا را از امویان گرفته‌اند. در این دوره، بعضی از شاعران تلاش کردند تا در رثای خود، واقعیت جدیدی را منعکس کنند که در سایه دولت جدید عباسی هاشمی بر ویرانه‌های دولت اموی شکل گرفته است. لذا عده‌ای از شعرا در رثای خود، غم و اندوه شهید شدن امام حسین را با شادی و سرور ناشی از انتقام عباسیان از امویان، به هم آمیخته‌اند. از جمله این شاعران می‌توان به ابن-معتز (۲۹۶-۲۴۷هـ) اشاره کرد که با همه عداوتی که نسبت به اهل بیت و علویان داشت در رثای امام حسین شعر می‌سراید و مدعی می‌شود که بنی‌عباس انتقام خون امام حسین را از امویان گرفته‌اند و بنی‌امیه را به جزای اعمال پلیدشان رسانده‌اند و اگر نبودند خون امام به هدر می‌رفت:

جَزَيْنَا الْأُمَوِيَّيْنَ وَدَنَّا لَهُمْ كَمَا دَانُوا
وَذَاقُوا ثَمَرَ الْبَغْيِ وَخَنَّا لَهُمْ كَمَا خَانُوا
وَلَوْلَا نَحْنُ قَدْ ضَاعَ دَمُ الْبَلَطِ مَجَانُ
بِأَسْفَى لَكُم أَوْدَى حُسَيْنٌ وَهُوَ ظَمَانُ

(دیوان، بی‌تا: ۳۵۲)

امویان را جزا دادیم و همان‌گونه که (با اهل بیت) عمل کردند، با آنها عمل کردیم / امویان نتیجهٔ ظلم و تجاوز خود را چشیدند و همان‌طور که خیانت کردند ما هم

به آنها خیانت کردیم/ اگر ما نبودیم خون ریخته شده امام حسین به هدر می‌رفت/ امام حسین تشنه لب به وسیله شمشیرهای شما کشته شده است. ابن‌معتز در قصیده‌ای دیگر می‌گوید ما پرچم‌های خود را به نام حسین برافراشته و در عزای حسین(ع) موهای خود را بلند کرده و لباس سیاه عزا بر تن کرده‌ایم. وی مدعی است که آنها با اشک‌هاشان بر حسین گریه نکرده‌اند بلکه با خون‌هایی بر حسین گریستند که از شمشیرها سرازیر می‌شد:

وَكَمْ قَدْ بَكَيْنَا عَلَيْهِ دَمًا	بِسْمِ مُتَقَفِّئِهِ الْأَكْغَبِ
وَبَيْضِ صَوَارِمٍ مَصْقُولَةٍ	مَتَى يُمْتَحَنُ وَقَعُهَا تَشْرَبِ
وَكَمْ مِنْ شِعَارٍ لَنَا بِاسْمِهِ	يُجَدِّدُ مِنْهَا عَلَى الْمُذْنِبِ
وَكَمْ مِنْ سَوَادٍ حَدَدْنَا بِهِ	وَتَطْوِيلِ شَعْرِ عَلَى الْمَنْكِبِ

(دیوان، بی‌تا: ۶۶)

و چه بسیار که ما بر او خون گریستیم با نیزه‌های صاف و گره‌دار/ و نیز با شمشیرهای برنده و آبدیده‌ای که چون صدای برخوردشان امتحان شود، جرعه‌جرعه خون می‌نوشند/ و چه بسیار علامت و نشانی که داشتیم و با نام امام حسین به وسیله شمشیرهای برآن بر گناهگار تکرار می‌شد/ و چه بسیار که ما لباس سیاهی در عزای ایشان بر تن کردیم و موهای خود را بر روی شانها آویختیم.

جای هیچ شک و تردیدی نیست که هدف ابن‌معتز، از رثای امام حسین، مصلحت و منفعت شخصی و خانوادگی‌اش بود و اشعار او آن‌گونه که باید و شاید دارای عاطفه صادقانه نیست، بلکه موضعگیری عاطفی او نسبت به خونخواهان امام حسین- به طور عام- و علویان- به طور خاص- یک موضعگیری خصمانه و کینه‌توزانه بود. زیرا وی در دیوان خود، قصیده‌ای چهل بیتی را تحت عنوان «مَهْلا بَنِي عَمَّنَا» در هجو خونخواهان حسین و علویان سروده است. (دیوان، بی‌تا: ۴۶)

یکی دیگر از شاعرانی که مدعی است بنی‌عباس، انتقام خون امام حسین را از امویان گرفته، قاسم بن یوسف بن صبیح (۲۲۰-۱۵۰هـ) است که در دربار عباسیان خدمت می‌کرد. وی در رثای حسین می‌سراید:

فَأَبَادَهُمْ سَافِرُ الْفَنَاءِ بِأَيْدِي الطَّالِبِينَ بِذَلِكَ الْوَتْرِ
وَهَشَّامُوا بِهَاشِمَهُ وَحَاقَ بِهِمْ مَا قَدَّمُوا مِنْ سَيِّئِ الْمَكْرِ
(شبر، ۱۹۸۸م: ج ۱، ۳۳۲)

شمشیر هلاکت، بنی‌امیه را با دستان انتقام جویان (عباسی) از بین برد/ آنان امام را در هم کوفتند و نابود کردند و حيله و مكری كه از پیش فرستادند، خود آنها را فرا گرفت.

شاعر در این ابیات، تصریح می‌کند كه عباسیان (الطالبین بذلك الوتر) انتقام امام را گرفتند و امویان را به قتل رساندند.

بدون تردید یکی از اهداف عباسیان در انتشار چنین القائاتی کاستن از شور و حرارتی بود كه در حرکتهای شیعیان وجود داشت تا بدین وسیله لبهٔ تیز این انقلاب انتقام‌جویانه را متوجه امویان کنند و بنی‌عباس را وارثان و خونخواهان امام حسین معرفی نمایند و چه بسا از طریق رثای حسین، خود را فرستادگان الهی برای انتقام خون حسین به شمار می‌آوردند تا از این طریق پایگاهی را در میان مردم و به ویژه طرفداران شیعه برای خود به دست آورند و از حدت و شدت مبارزه علویان علیه خود بکاهند. ابن‌معتز یکی از امرا و حاکمان بزرگ عباسی بود و به نفع او و خاندانش بود كه در رثای امام حسین شعر بسراید تا این ایده و اندیشه را در میان مردم رواج دهد كه عباسیان انتقام امام را گرفته‌اند.

۳- الف) اندیشه رستگاری و نجات در آخرت

اندیشه رستگاری و نجات در آخرت، یکی دیگر از ویژگی‌های شعر رثای حسینی در این دوره است. صنوبری (متوفی ۳۴۴هـ)، رستگاری و پیروزی را در سایهٔ هدایت ائمه می‌بیند و تمام سعی و تلاشش در این است كه در راه ایشان قدم بردارد به این امید كه خداوند از گناهان او درگذرد:

أَلْ بَيْتِ النَّبِيِّ مَا لِي عَنْكُمْ تَزْحَرُ أَفْلَحَ السَّالِكُونَ فِي ظِلِّ هُدَاكُمْ وَانْجَحُوا
أَنَا فِي ذَاكَ لَأَسُوَى ذَاكَ أَسْعَى وَأَكْدَحُ فَعَسَى اللَّهُ عَنْ ذُنُوبِي يَعْفُو وَيَصْفَحُ
(شبر، ۱۹۸۸م: ج ۲، ۳۰)

ای خاندان پیامبر! من از شما دور نمی شوم زیرا ره پویان در سایه هدایت شما رستگار و پیروز می شوند/ من فقط در راه شما تلاش می کنم نه چیز دیگری. پس امید است که خداوند از گناهانم درگذرد.

۴- الف) انتقام و خونخواهی توسط مهدی موعود(عج)

قرن دوم هجری آغاز شکل‌گیری انتقام و خونخواهی مهدی موعود و تبدیل شدن آن به عنصری اساسی در شعر رثای حسینی بود و در دوره‌های بعد نیز این اندیشه، در شعر شعرا به چشم می‌خورد. دعبل خزاعی منتظر است تا گشایشی حاصل شود و از میان اهل‌بیت و با نام خداوند، امامی قیام کند و هر کدام از حق و باطل را در جای اصلی خود قرار دهد و بر اساس نیکی و بدی مجازات نماید. شاعر خود را از جدال و مبارزه با مردم باز می‌دارد تا اینکه امام موعود قیام نماید و حق و عدالت را دوباره به پا دارد و در این صورت است که غم و غصه شاعر تمام می‌شود و از بیماری شفا می‌یابد و شمشیر و سر نیزه خود را از خون دشمنان سیراب می‌کند. (الاشتر، ۱۹۸۴م: ۸۷) وی در قصیده «تائیه» خود در رثای حسین می‌گوید:

فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْعِدِ	تَقَطَّعَ نَفْسِي إِثْرَهُمْ حَسَرَاتِ
خُرُوجِ إِمَامٍ لَمْحَالَةٍ خَارِجٍ	يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ	وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ
فَيَأْنَفُسُ طَيْبِي ثُمَّ يَا نَفْسُ أَبْشِرِي	فَغَيْرُ بَعِيدٍ كُلُّ مَا هُوَ أَتِ
وَلَا تَجْزَعِي مِنْ مُدَّةِ الْجَوْرِ أَنِّي	أَرَى قُوَّتِي قَدْ أَذْنَتْ بِبَتَاتِ

(دیوان، ۱۹۸۹م: ۱۴۳)

اگر نبود کسی که امروز و فردا به ظهور او امیدوار هستم، قلبم در اثر حسرت و اندوه در پی آنان پاره پاره می‌شد/ آری امید من به خروج امامی است که بدون شک ظهور خواهد کرد و با نام خداوند و همراه با انواع برکت‌ها به پا خواهد خواست/ در میان ما هر حق و باطلی را از هم جدا می‌کند و به وسیله نعمت‌ها و کیفرها، مجازات خواهد کرد/ پس ای جان! شاد باش و سپس ای نفس! تو را

مژده باد؛ هر آنچه که آمدنی است، چندان دور نباشد/ از طولانی شدن زمان ظلم و ستم بی‌تابی مکن چرا که من نیرو و قدرتم را می‌بینم که پایان ظلم و ستم اعلام می‌کند.

۵-الف) کینه‌توزی و انتقام از عباسیان در کنار خشم و نفرت از امویان

ائمه اهل بیت همواره در میان مردم به رفتارهای آرمانی، الگوساز و به دور از هر عیب و نقص خود، استناد می‌کردند و اینکه آنان فرزندان، وارثان رسول خدا و منشأ احکام الهی هستند و از سوی امویان مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. زیرا آنان خلافت را از امام علی غصب کرده و با خدعه و نیرنگ کاری کرده‌اند که امام حسن هم نتوانست خلافت را از آنان پس گیرد.

نقشه عباسیان به گونه‌ای طراحی شده بود که تمام این ویژگی‌ها و امتیازات را از اهل بیت پیامبر (ص) بگیرد. بنابراین تمام تلاش خود را انجام می‌دادند تا به ائمه اهل بیت (ع) اهانت کنند و چهره آنها را در میان مردم زشت جلوه دهند و این فکر را ترویج بدهند که ائمه (ع) نسبت به احکام اسلام جاهلند. (شمس‌الدین، ۲۰۰۸م: ۲۳۰ و ۲۳۱) به همین دلیل، شعر بعضی از شاعران در کنار خشم و نفرت از امویان، لبریز از کینه‌توزی و انتقام از عباسیان است. از جمله این شاعران می‌توان به منصور نمری (متوفی ۱۹۰هـ) اشاره کرد. وی بر این باور است که دوستداران و محبان اهل بیت (ع) روزگار خود را در ترس و نگرانی سپری می‌کنند، ولی جان و مال مسیحیان و یهودیان در امان است. نمری عباسیان را گوسفندانی در لباس انسان می‌داند که دست به انجام کارهای بیهود و باطل می‌زنند. وی بنی‌عباس را که دینشان، ظلم و جفای به پیامبر است، همسوی با امویان قرار داده که مرتکب گناہانی نابخشودنی شده‌اند:

يَتَطَامُنُونَ مَخَافَةَ الْقَتْلِ	أَلُ النَّبِيِّ وَمَنْ يَجِبُهُمْ
مِنْ أُمَةِ التَّوْحِيدِ فِي أَزْلِ	أَمِنْ النَّصَارَى وَالْيَهُودِ وَهُمْ
يَعْلَلُونَ النَّفْسَ بِالْبَاطِلِ	شَاءَ مِنَ النَّاسِ رَاتِعٌ هَامِلِ

دِينُكُمْ جَفَاؤُ النَّبِيِّ وَمَا الْجَافِي لَالِ النَّبِيِّ كَالْوَاصِلِ
(دیوان، ۱۹۸۱م: ۱۱۹)

خاندان پیامبر و کسانی که آنها را دوست دارند، از ترس کشته شدن پشت خود را خم می‌کنند/ مسیحیان و یهودیان در امانند ولی اهل بیت پیامبر در تنگنا هستند/ گوسفندانی در (لباس) انسانند که می‌چرند و شب و روز برای چریدن رها شده‌اند و نفس‌هایشان را با باطل سرگرم می‌کنند/ دین شما، جفای به پیامبر بود و جفا کننده به پیامبر مانند رسنده به هدف نیست.

در این قصیده غم و اندوه معتدلی وجود دارد. نگاه شاعر به قضیه امام حسین، نگاهی است دینی و آشکار. شاعر در این قصیده حکومت عباسی را استمرار و ادامه حکومت فاسد اموی قلمداد می‌کند و بر این باور است که انتقام از عباسیان نیز نوعی انتقام از امویان است. چرا که موضعگیری عباسیان و امویان نسبت به اهل بیت، یکسان است.

۶-الف) اندیشه قضا و قدر و زهد و پارسایی و نکوهش دنیا

از دیگر ویژگی‌های این دوره می‌توان به اندیشه قضا و قدر الهی، زهد و پارسایی و نکوهش دنیا اشاره کرد. این اندیشه به طور محدود از قرن سوم هجری شروع شد و در قرن دهم به اوج خود رسید. (شمس‌الدین، ۲۰۰۸م: ۲۵۸) عواطف صادق، احساسات رقیق و نازک، ساختار لفظی ساده و روان و زبان پندآموز از ویژگی‌های غالب اشعار زهد به شمار می‌رود. در شعر حکمی و فلسفی به جهان با نگاهی تحلیلی می‌نگریستند. انتشار فلسفه یونان و حکمت ایران باستان و ظهور گروهی از اندیشمندان و متکلمان معتزلی، به گسترش عقل‌گرایی در شعر عربی دامن زد. (ضیف، ۱۹۶۰م: ۱۴۸) صنوبری در قصیده‌ای در رثای حسین، خوشی‌ها و لذت‌های زندگی را از خود دور کرده، چون بر این باور است که مرگ و مصیبت در کمین او نشسته‌اند. وی خطاب به انسان‌های منفعت طلب می‌گوید که بهترین راه به دست آوردن سود و منفعت، مدح خاندان پیامبر (ص) است:

عَجَبِي وَالْخُطُوبُ تَبْرَحُ فِينَا وَتَسْنَحُ لَطْلَابِي لِرَاحَةِ الْعَيْشِ وَالْمَوْتُ أَرْوَحُ

قُلْ لِبَاغِي رِبْحٍ إِذَا ظَلَّ يَمْدَحُ مَدَحُ آلِ النَّبِيِّ يَا بَاغِي الرِّبْحِ أَرْبَحُ
(شبر، ۱۹۸۸ م، ج ۲: ۲۹)

شگفتا چگونه من به دنبال راحتی و خوشی زندگی باشم در حالی که مرگ‌ها و مصیبت‌ها در میان ما در رفت و آمد هستند/ به سودجو بگو! اگر هنوز هم در مدح و ستایش اصرار داری، مدح خاندان پیامبر سودآورترین است.

رثا در عصر عباسی دوم (قرن چهارم تا ششم)

رثا در عصر عباسی دوم و بعد از آن، متحول شد و به شعر گریه و ناله و خالی از روح مبارزه‌طلبی و مقاومت و خونخواهی تبدیل شد. با این وجود اشعار نادری هم بودند که روح مکتب قدیم عصر اموی را مد نظر خود قرار می‌دادند اما خالی از صداقت و واقعیت بودند و مبارزه طلبی آنها صرفاً ماجراجویی‌هایی خیالی و به دور از واقعیت بود. این نوع شعر را در اشعار شاعرانی چون سید حیدر حلی و امثال او می‌توان یافت. البته باید شعر کسانی چون شریف رضی (۴۰۶ - ۳۵۹ هـ) را از این گروه استثنا کرد. (شمس‌الدین، ۲۰۰۸ م: ۲۳۹ و ۲۴۰) شریف‌رضی در سال ۳۷۷ هـ در قصیده‌ای در رثای امام حسین، امویان را به شدت تهدید کرده و می‌گوید بدون شک در دور دست‌ترین نقطه زمین کسی وجود دارد که همواره منتظر گرفتن انتقام از آنها است:

بَنِي أُمِيَّةَ مَا الْأَسْيَافُ نَائِمَةٌ عَنْ شَاهِرِي أَقَاصِي الْأَرْضِ مَوْتُور
وَالْبَارِقَاتُ تَلَوَى فِي مَغَامِدِهَا وَالسَّابِقَاتُ تَمَطَّى فِي الْمَضَامِيرِ
إِنِّي لَأَرْقُبُ يَوْمًا لَأَخْفَاءَ لَهُ عُرْيَانٌ يَقْلِقُ مِنْهُ كُلُّ مَغْرُورٍ
وَلِلصَّوَارِمِ مَا شَاءَتْ مَضَارِبُهَا مِنْ الرِّقَابِ شَرَابٌ غَيْرُ مَنْزُورٍ
(دیوان، بی‌تا: ج ۱، ۳۷۷)

ای بنی‌امیه! شمشیرها در دور دست‌ترین نقطه‌های زمین از انتقام آن انسان شجاع که همواره شمشیر از نیام برمی‌کشد، غافل نیستند، انسانی که هنوز انتقامش گرفته نشده است/ شمشیرهای درخشان در نیام‌های خود بالا و پایین می‌شوند و برای گرفتن انتقام به خود می‌پیچند و اسبان تازنده در میدان‌ها دستان خود را به

عقب و جلو می‌برند و آمادهٔ جنگ هستند/ من منتظر روزی هستم که هیچ شکی در آن نیست و هر انسان مغرور و متکبری در آن سست و متزلزل می‌شود/ برای دم شمشیرها هر آنچه را که از گردن‌ها بخواهند، خون‌های فراوانی است. باید متذکر شویم که در این برهه، علویان دو روش را در پیش گرفتند. عده‌ای مبارزات خود را علیه عباسیان ادامه داده و در هر سرزمینی انقلاب‌هایی را بدون اینکه تأثیری داشته باشند، راه‌اندازی می‌کردند و خود و طرفداران خود را به نابودی، آوارگی و مرگ می‌کشاندند. درحالی که ائمه‌اهل بیت، راه و روش دیگری را در پیش گرفته و آن، بالا بردن سطح علمی و آگاهی و فرهنگ مردم و تغییر عقلیت شان بود. (شمس‌الدین، ۲۰۰۸م: ۲۴۰)

ب- ویژگی‌های شعر رثای امام حسین در عصر عباسی دوم

۱-ب) مرتبط ساختن حادثهٔ عاشورا با حوادث سال‌های پیش

مرتبط ساختن حادثهٔ عاشورا با حوادث سال‌های بعد از وفات پیامبر، یکی از ویژگی‌های شعر رثای حسینی در این دوره به شمار می‌آید. محمد مهدی شمس‌الدین مبدأ انقلاب امام حسین را سال ۶۰ یا ۶۱ نمی‌داند. وی معتقد است که مبدأ انقلاب امام حسین، سال‌های پس از وفات پیامبر(ص) است. انقلاب خونین امام حسین حلقه‌ای از زنجیره حوادثی بود که یک سر آن به فاجعهٔ کربلا و سر دیگر آن به ماجرای سقیفه منتهی می‌شد و این حلقه در کربلا نیز خاتمه نیافت؛ بلکه سرچشمه انقلاب و قیام‌های خونین دیگری گردید. (شمس‌الدین، ۱۳۷۹ش: ۲۸۵)

از جمله شاعرانی که حادثهٔ عاشورا را معلول سال‌های قبل برمی‌شمارند، می‌توان به ابوالغارات ملک صالح نصیرالدین طلائع بن رزیک (۵۵۶-۴۹۵هـ) اشاره کرد. او در قصیده‌ای در رثای امام حسین می‌گوید: امویان در روز عاشورا شریعت و اسلام را تباه کردند و قبایل ریاکار و منافق ربیعه و مضر در عراق راه خیانت را در پیش گرفتند. وی عصیان و نافرمانی از امام حسین را برابر با عصیان و نافرمانی از پیامبر

بر می‌شمارد و علت حادثه را علاوه بر سرپیچی از دستورات پیامبر، خدعه و نیرنگی می‌داند که از همان سال‌ها پیش در شورای سقیفه کلید خورد:

إِذْ ضَاعَ الْقَوْمُ الشَّرِيعَةَ	فِيهِ لِحْفَظِهِمُ الشَّرِيعَةَ
غَدَرَتْ هُنَاكَ وَمَا وَقَّتْ	مَضَرُ الْعِرَاقِ وَلَا رِبْعَهُ
شَاعَ النِّفَاقُ بِكَرْبَلَا	فِيهِمْ وَقَالُوا نَحْنُ شِيعَهُ
يَا فِعْلَةً جَاؤُوا بِهَا	فِي الْغَدْرِ قَاضِحَةً شَنِيعَهُ
عَصَتِ النَّبِيَّ وَأَصْبَحَتْ	لِسَوَاهِ سَامِعَةً مُطِيعَهُ
بَاعَتْ هُنَاكَ الدِّينَ	بِالدُّنْيَا وَخُسْرَانٍ كَبِيعَهُ
مَا كَانَ فِيمَا قَدْ مَضَى	إِسْلَامُهَا إِلَّا خَدِيعَةً
تَحْتَ السَّقِيفَةِ أَضْمَرَتْ	مَا بِالطُّفُوفِ غَدَتْ مُذِيعَةً

(دیوان، ۱۹۶۴م: ۹۲)

هنگامی که آن قوم برای حفظ شریعه فرات، شریعت و اسلام را تباه نمودند/ قبایل مضر و ربیعه عراق خیانت پیشه کردند و به عهد و پیمان خود وفا ننمودند/ نفاق و دورویی در میان‌شان گسترش یافته بود در حالی که می‌گفتند ما شیعه و طرفدار تو هستیم/ شگفتا از کار زشت و خیانتی که انجام دادند/ از فرمان پیامبر سرپیچی کرده و به حرف‌های دیگران گوش داده و از آنها اطاعت نموده‌اند/ در کربلا دین را به دنیای خود فروخته و خسران و زیان را خریده‌اند/ در سال‌های گذشته، اسلام‌شان خدعه و نیرنگی بیش نبود/ آنان دشمنی و کینه‌ای را که در کربلا فاش کردند، از همان شورای سقیفه در دل داشتند.

وضع سیاسی در شمال آفریقا با شرق عربی متفاوت بود. در شمال آفریقا دولت فاطمیان که دولتی هاشمی‌علوی بود، تأسیس شد و با دولت امویان در اسپانیا همجوار بود. لذا فاطمیان باید در دو جبهه می‌جنگیدند. یکی امویان در اندلس که از نظر سیاسی با آنها رقابت داشتند و وارثان امویانی بودند که امام حسین را به قتل رساندند. و دیگری بنی‌عباس در بغداد که در مصر و سوریه با آنها رقابت سیاسی داشتند و در سرکوب و شکنجه فرزندان امام علی دنبال‌رو سیاست امویان بلکه بدتر از آنها بودند.

رثا در شعر شعرای فاطمی تا حدودی با شعرای شرق در این دوره متفاوت بود. زیرا در بردارنده روح تهدید، انتقام و خونخواهی بود. شاعران این دوره حادثه عاشورا را با حوادث سال‌های پس از وفات پیامبر مرتبط می‌دانند. آنان پیروزی-های نظامی و سیاسی خود را که به اسم «یاری کردن دین و انتقام از قاتلان اهل بیت» محقق می‌شد، در شعر یاد آوری می‌کردند. (شمس‌الدین، ۲۰۰۸م: ۲۴۳) از برجسته‌ترین شعرای این دوره می‌توان به ابن هانی اندلسی (۳۶۲-۳۲۶ه) اشاره کرد. وی بنی‌امیه را به خاطر اعمال زشتی که در حق فرزندان پیامبر مرتکب شدند، سزاوار ملامت می‌بیند و پس از نوحه‌سرایی بر امام حسین(ع) به قاتلان و مسببان اصلی فاجعه عاشورا هجوم می‌برد:

أَ كَانَتْ لَهُ أُمًّا وَكَانَ لَهَا ابْنٌ	أَلَا سَأَلُوا عَنْهُ الْبَتُولَ فَتُخَبِّرُوا
وَإِنْ جَلَّ أَمْرُ عَنْ مُلَامٍ وَ لَوْ	وَأُولَى بَلَّوْمٍ مِنْ أَمِيهِ كَلَّهَا
إِلَى رِمَمٍ بِالطَّفِّ مِنْكُمْ وَأَعْظَمِ	أَنَاسٍ هُمْ الدَّاءُ الدَّفِينُ الَّذِي سَرَى
وَلَمْ تُشَبَّ النَّارُ لَمْ تَتَضَرَّمِ	هُمْ قَدَحُوا تِلْكَ الزَّنَادَ الَّتِي وَرَتْ
وَمَا كَانَ تَيْمِي إِلَيْهِ بِمُنْتَمِ	وَهُمْ رَشَّحُوا تَيْمًا لِإِرْثِ نَبِيهِمْ
أَجَلٌ لَهُمْ تَقْدِيمٌ غَيْرِ الْمُقَدَّمِ	عَلَى أَى حُكْمٍ اللَّهُ إِذْ يَأْفِكُونَهُ
سَقَوَا آلَهُ مَمَزُوجَ صَابٍ بِعَلَقَمِ	وَفَى أَى دِينِ الْوَحَى وَالْمُصْطَفَى لَهُ

(دیوان، ۱۹۸۰م: ۳۱۳)

هان از امام حسین درباره حضرت فاطمه بپرسید تا خبردار شوید که آیا حضرت فاطمه مادر حسین است و حسین فرزند او؟! سزاوارترین مردم به سرزنش نسبت به تمامی امویان اگر چه کار از سرزنش و سرزنشگران گذشته است.../... مردمی هستند که درد پنهان شده، آنانند، دردی که به استخوان‌های پوسیده شهدای کربلا سرایت کرد/ اعضای شورای سقیفه، آتش زنه‌ها را برافروختند و اگر آنان، آتش را شعله‌ور نمی‌کردند، هرگز زبانه نمی‌کشید (و تا به کربلا ادامه نمی‌یافت)/ آنها تیمی‌ها را برای میراث پیامبر (خلافت) نامزد کردند در حالی که هیچ یک از آنان برای این کار، صلاحیت و شایستگی نداشت/ بر اساس کدام حکم خداوند، رای پیامبر را برگردانیدند و تقدیم غیر مقدم برای آنان روا گشت/ بر اساس کدام

وحی- در حالی که پیامبر مختص وحی بود- به خاندان پیامبر، تلخی‌های بی‌شماری را نوشاندند.

ابن‌هانی در بیت «أَلَا سَأَلُوا...» بنی‌امیه را به تمسخر گرفته و گویی که آنان حضرت فاطمه مادر امام حسین را نمی‌شناسند. منظور شاعر از «أناس» و «هم قدحوا» اعضای شورای سقیفه است که شرشان گریبان‌گیر شهدای کربلا شده و عاملین اولیه کشته شدن شهدای کربلا هستند. شاعر بر این باور است که آتش فتنه از همان شورا شعله‌ور شد و آنان بودند که خلافت و میراث پیامبر را در اختیار تیمی‌ها قرار دادند در حالی که هیچ یک از آنان صلاحیت و شایستگی رسیدن به مقام خلافت را نداشتند. همان‌طور که می‌بینیم ابن‌هانی در این ابیات، حادثه عاشورا را با حوادث سال‌های بعد از وفات پیامبر مرتبط می‌داند و معتقد است که حادثه عاشورا از همان شورای سقیفه کلید خورده است.

۲-ب) اندیشه زهد و پارسایی و نکوهش دنیا

از دیگر ویژگی‌های شعر حسینی این دوره، اندیشه زهد و پارسایی و نکوهش دنیا است. صاحب بن عباد (۳۸۵-۳۲۶هـ) در قصیده‌ای در رثای حسین، ضمن توصیف درگیری و جنگ امام حسین (ع) با دشمنان بر این باور است که آبشخور دنیا برای هیچ کس صاف و زلال نیست و نباید به آن دل بست و اعتماد داشت:

وَأَنْبَرَتْ تَبَغِي حُسَيْنًا وَغَزَتْهُ وَغَزَاهَا
وَهِيَ دُنْيَا لَيْسَ تَصْفُو لَابْنِ دِينَ مَشْرَعَا

(الأمینی، ۱۴۱۰هـ، ج ۴: ۵۸)

گروه ستمکاران و متجاوز با تعرض شروع به جستجوی حسین کردند و با هم به مبارزه پرداختند/ این دنیا است که آبشخورهایش برای هیچ دینداری صاف و زلال نیست.

شریف رضی هرگز به دنیا وابسته نشد. وی زندگی طولانی را مایه ضرر و زیان انسان برمی‌شمارد. وی معتقد است روزگار دوامی ندارد و عاقبت حیات رو به فناست و انسان نیز برای مردن آفریده شده است:

وَمُضِرٌّ بِكَ الْبَقَاءُ الطَّوِيلُ	راحِلٌ أَنْتَ وَاللَّيَالَى تَزُولُ
وَلَا أَمِلُّ وَلَا مَأْمُولُ	لَا شَجَاعٌ يَبْقَى فَيَعْتَنِقُ الْبَيْضَ
وَكَذَا غَايَةُ الْغُضُونِ الذُّبُولُ	غَايَةُ النَّاسِ فِي الزَّمَانِ فَنَاءُ
وَلِلطَّعْنِ تُسْتَجَمُّ الْخِيُولُ	إِنَّمَا الْمَرْءُ لِلْمَنِيَةِ مَخْبُوءٌ
هَذَا مَلَالًا كَأَنَّهَا عَطْبُولُ	هِيَ الدُّنْيَا إِنْ وَاصَلْتَ ذَا جَفَتِ
طَالَ بَقَاءُ وَالتَّكَلُّ الْمَثْكُولُ	كُلُّ بَاكِ يَبْكِي عَلَيْهِ وَإِنْ
بَعْدَمَا غَالَتْ ابْنُ فَاطِمَ غُولُ	مَا يَبَالِي الْحِمَامُ أَيْنَ تَرَفَّى

(دیوان، بی تا: ج ۲، ۷۸)

از این سرا کوچ خواهی کرد. روزگار هم دوامی ندارد. زندگی طولانی مایه ضرر و زیان توست/ نه انسان شجاعی باقی می ماند که با شمشیر هم آغوش شود و نه آرزویی و نه آرزومندی/ پایان زندگی نیز بسان شاخه هایی که پژمرده می شوند، نابودی و فنا است/ آدمیزاد طعمه مرگ است. اسب تازی هم که پرورش جنگی یابد، عاقبت هدف تیر و نیزه خواهد بود/ شیوه و عادت دنیاست که اگر با یکی سر وصل دارد با دیگری سر ناسازگاری و تندی و گویی که این دنیا همچون زیبارویی بی وفا است/ هر گریانی روزی بر خود او خواهند گریست و هر داغداری روزی دیگران در غم از دست رفتن خود او خواهند نشست اگر چه زندگی او طولانی باشد/ غول مرگ اهمیتی نمی دهد که کجا می رود بعد از اینکه فرزند فاطمه را از پای درآورد.

این رویکرد در شعر رثای حسینی گسترش پیدا کرد و در سال های بعد آشکارتر شد. البته شاید این جریان فکری در شعر رثای حسینی طبیعی باشد و آن را در همه عصرها نزد عامه مردم ببینیم. زیرا مرگ سؤالات زیادی را پیرامون هستی و سرنوشت برمی انگیزد که این سؤالات ذهنیت خاصی را در نگاه به حوادث و رویدادها به وجود می آورد.

۳-ب) انتقام و خونخواهی مهدی موعود(عج)

قبلاً اشاره شد که اندیشه انتقام مهدی از قاتلان، از قرن سوم- عصر عباسی اول- در شعر شعرا آشکار شد. در این دوره نیز بعضی از شاعران بودند که در رثای خود بر حسین، از این اندیشه در اشعار خود استفاده می کردند. علی بن إسحاق زاهی (۳۱۸-۳۵۲ هـ) که بیشتر شعرش درباره خاندان پیامبر است، معتقد است که خداوند به زودی به وسیله قائم خود از ظالمان و ستمگران انتقام خواهد گرفت:

وَسَوْفَ يَدِيلُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ ظَالِمٍ بِقَائِمٍ عَدْلٍ يَلْنُ الْحَقَّ ظَاهِرًا
(شبر، ۱۹۸۸م: ج ۲، ۵۹)

به زودی خداوند قائم عدالت پیشه و حقیقت گوی خود را، بر هر ظالم و ستمکاری پیروز می گرداند.

از دیگر شاعرانی که منتظر انتقام و خونخواهی مهدی موعود از دشمنان است، مهیار دیلمی (متوفی ۴۲۸ هـ) است. ایشان انتقام بنی عباس را از قاتلان کافی نمی داند و در انتظار لحظه ای است که داغ دلش را با انتقام مهدی تسکین دهد:

وَقَدْ فَعَلَ اللَّهُ لَكِنِّي أرى كِبْدِي بَعْدَ لَمْ تَبْرُدِ
بِسَمْعِي لِقَائِكُمْ دَعْوَةً يَلْبِي لَهَا كُلُّ مُسْتَجِدٍ

(دیوان، ۱۹۲۵م: ج ۱، ۳۰۰)

خداوند (به دست عباسیان) انتقام خون شهدای کربلا را گرفت اما من جگرم را می بینم که از این انتقام هنوز آرام نگرفته است/ شنیدم که قائم شما را دعوتی است به سوی عدالت و هر یاریگری به آن دعوت لبیک می گوید.

۴-ب) اندیشه رستگاری و نجات در آخرت:

اندیشه رستگاری و نجات در آخرت، یکی دیگر از ویژگی های شعر رثای حسینی است. کشاجم (متوفی سال ۳۵۰ هـ یا ۳۶۰ هـ) با خطاب قرار دادن اهل بیت (ع)، ایشان را مایه ثنا و ستایش مدیحه های خود معرفی می کند و دوستی و محبت آنها را، عامل نجات و رستگاری خود در روز قیامت برمی شمارد و بر این باور است که به برکت همین دوستی و محبت گناهان وی بخشیده خواهند شد.

طَهَرْتُمْ فَكُنْتُمْ مَدِيحَ الْمَدِيحِ وَكَانَ سِوَاكُمْ هِجَاءَ الْهَجَاءِ
قَضَيْتُ بِحُبِّكُمْ مَا عَلَى إِذَا مَا دُعِيتُ لِفَصْلِ الْقَضَاءِ
وَأَيَقَنْتُ أَنَّ ذُنُوبِي بِهِ تُسَاقِطُ عَنِّي سُقُوطُ الْهَبَاءِ

(دیوان، ۱۹۵۷م: ۷)

پاک شدید و خود مایه ستایش و ثنائید و دیگران مایه نکوهش/ روزی که برای محاکمه به درگاه الهی خوانده شوم، خواهم گفت: آنچه برعهده داشتم به برکت دوستی شما ادا کردم/ من یقین دارم که گناهان من با دوستی و محبت شما مانند برگ درختان ریخته خواهد شد.

علی بن إسحاق زاهی امیدوار است که به خاطر گریه و غم و اندوه خود بر اهل بیت (ع)، در روز قیامت از سنگینی گناهانش کاسته شود و شفاعت پیامبر (ص) نصیبش گردد:

وَأَنَا لَنَرْجُو اللَّهَ بِالْحُزَنِ وَالْبُكَاءِ لَهُمْ أَنْ يَحُطَّ السَّيِّئَاتِ الْكَبَائِرُ
وَيَرْزُقُنَا فِيهِمْ شَفَاعَةَ جَدِّهِمْ فَإِنَّا اتَّخَذْنَاهَا لِتِلْكَ ذَخَائِرَ

(شبر، ۱۹۸۸م: ج ۲، ۵۹)

ما با اندوه و گریه بر آنها امید داریم که خداوند از سنگینی گناهان بزرگ ما بکاهد/ وشفاعت جدشان را نصیب ما کند زیرا ما شفاعتش را برای آن گناهان ذخیره خود قرار دادیم.

صاحب بن عباد نیز مدیحه‌های خود را وسیله تقرب به اهل بیت و کفاره گناهانش قرار داده و می‌گوید:

وَجَعَلْتُ تَكْفِيرَ الذُّنُوبِ مَدَائِحِي فِي سَادَةِ آلِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ
فِي سَادَةِ حَازُوا الْمَفَاخِرَ قَادَةَ وَرَقُوا الْفَخَارَ بِمَقُولٍ وَبِمُنْصَلِ
رَامَ ابْنُ عَبَّادٍ بِهَا قُرْبَى إِلَى سَادَاتِهِ فَأَنْتَ بِحُسْنٍ مُكْمِلِ

(همان، ج ۲، ص ۱۳۵)

مدیحه‌هایی را که درباره سادات خاندان پیامبر سروده‌ام، کفاره گناهانم قرار دادم/ سادات و پیشوایانی که به مفاخر دست یافتند و سربلندی و افتخار را با گفته‌ها و

شمشیرهای خود بالا بردند/ ابن عباد بدین وسیله خواست که به سادات و سروران خود تقرب جوید. پس تو دارای رفتاری نیکو و شایسته هستی. ابن جبر (۴۸۷-۴۲۰ هـ) بر این باور است که اگر کسی در این دنیا بر اهل بیت بگریزد، در فردای قیامت پاداش گریه خود را خواهد دید. وی از خداوند می‌خواهد محبت اهل بیت را سپر گناهانش قرار دهد و شکستی را که از ناحیه ستمکاران و قاتلان اهل بیت به او رسیده جبران کند و او را در زمره آنها قرار ندهد:

إِنْ تَبْكِهِمْ فِي الْيَوْمِ تَلْقَاهُمْ غَدًا	عَيْنِي بِوَجْهِ مُسْفِرٍ ضَحَّاكٍ
يَا رَبِّ فَاجْعَلْ حَبَّهْمَ لِي جَنَّةً	مِنْ مُوَبَقَاتِ الظُّلُمِ وَالْإِشْرَاكِ
وَاجْبِرْ بِهَا الْجَبْرِيَّ رَبِّ وَبَرِّهِ	مِنْ ظَالِمٍ لِدِمَائِهِمْ سَفَّاكٍ
وَبِهِمْ إِذَا أَعْدَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ	غَلَقَتْ رُهُونَهُمْ فَجْدُ بِفِكَاكٍ

(الامینی، ۱۴۱۰ هـ: ج ۴، ۳۱۷)

اگر امروز در سوگ آنان اشک ماتم بریزی، فردای قیامت با چهره‌ای خرم به پا می‌خیزی/ پروردگارا این مهر و محبت را در برابر گناهان و شرک، همچون سپری قرار بده/ و شکست جبری را ترمیم کن و از هر سیه‌کاری که خون آنان را ریخت بری گردان/ و در آن روز که غل و زنجیر از دست و پای دشمنان باز نمی‌شود، مرا به برکت اهل بیت، رهایی ببخش و نجاتم بده.

۵-ب) انتقام اخروی

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر رثای حسینی این دوره، که به طور جدی از نیمه دوم قرن چهارم هجری ظهور پیدا کرد، اندیشه انتقام اخروی است. شعرا در شعر خود، به بر شمردن فضائل و تصویر فاجعه و تقرب به خدا به خاطر امید به ثواب و داخل شدن به بهشت بسنده می‌کردند. شاید ابوفراس حمدانی (۳۵۷-۳۲۰ هـ) اولین شاعری باشد که اندیشه انتقام اخروی در شعرش آشکار شد. وی در قصیده خود، بر اساس آیه قرآنی «وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (۱) بر این باور است که خداوند ستمگران را مهلت می‌دهد تا در روز رستاخیز آنها را مؤاخذه کند و خود

نیز برای گرفتار نشدن به عذاب اخروی، دست به دعا برداشته و خود را از قاتلان حسین جدا کرده و دوستدار پیامبر و آل بیتش می‌داند:

يَوْمَ بَعَيْنِ اللَّهِ كَانَ وَإِنَّمَا
يَمْلِي لَظْلَمِ الظَّالِمِينَ اللَّهُ
أُظْنَنَتْمْ أَنْ تَقْتُلُوا أَوْلَادَهُ
وَيُظْلَلْكُمْ يَوْمَ الْمَعَادِ لَوَاهُ
يَا رَبِّ إِنِّي مُهْتَدٍ بِهُدَاهُمْ
لَأَهْتَدِيَ يَوْمَ الْهُدَى بِسَوَاهُ
أَهْوَى الَّذِي يَهْوَى النَّبِيُّ وَآلُهُ
أَبْدَأُ وَأَشْنَأُ كُلَّ مَنْ يَشْنَأُهُ

(دیوان، ۱۹۹۹م: ۳۴۶)

روزی که او در پناه خداوند بود و خداوند ستمگران را برای ستمگری، مهلت می‌دهد/ آیا گمان کردید که فرزندان او را می‌کشید و در روز رستاخیز درفش او، شما را زیر سایه خود، گرد می‌آورد/ پروردگارا! من با هدایت آنها، ره یافتم و هدایت شدم و در هنگام هدایت به وسیله دیگران هدایت نشدم/ همواره دوستداران پیامبر و خاندانش را دوست می‌دارم و دشمنان و کینه توزانشان را دشمن.

از دیگر شاعرانی که جزای قیامت و انتقام الهی را جایگزین انتقام دنیوی می‌کنند، می‌توان به صاحب بن عباد اشاره کرد. وی در قصیده‌ای در رثای حسین می‌گوید: وقتی محشر به پا می‌شود، حضرت زهرا فریادکنان از خداوند می‌خواهد که از قاتلان انتقام بگیرد. مالک جهنم نیز به دستور خداوند آنان را بر اساس اعمال زشتشان به آتش دوزخ می‌افکند و مجازات می‌نماید:

سَوْفَ تَأْتِي الزَّهْرَاءُ تَلْتَمِسُ الْحُكْمَ
مَ إِذَا حَانَ مَحْشَرُ التَّعْدِيلِ
وَتُنَادِي يَا رَبِّ ذَبِّحْ أَوَّلًا
دِي لِمَاذَا وَأَنْتَ خَيْرُ مُدِيلِ
فَيُنَادِي بِمَالِكِ أَلْهَبِ النَّارَ
رَ وَأَجِّجْ وَخُذْ بِأَهْلِ الْغُلُولِ
وَيُجَازِي كُلُّ بِمَا كَانَ مِنْهُ
مِنْ عِقَابِ التَّخْلِيدِ وَالتَّنْكِيلِ

(دیوان، ۱۹۷۴م: ۲۶۷)

زمانی که محشر بر پا شود، حضرت زهرا خواهد آمد و از قاضی (تقاضای انتقام و قصاص را) می‌خواهد/ حضرت زهرا فریاد سر می‌دهد که خدایا! چرا با اینکه تو بهترین یاروی، فرزندانم قربانی و کشته شدند/ خداوند فرشته‌ای را ندا می‌دهد که

آتش را شعله‌ور کن و برافروز و دشمنان و بدخواهان را مؤاخذه کن/ و هر کسی با عقابی دردناک و همیشگی بخاطر گناهایی که از او سر زد، مجازات می‌شود.

نتیجه

با بررسی محتوایی اشعار سروده شده در رثای امام حسین (ع) می‌توان چنین نتیجه گرفت:

- در اشعار حسینی، زبان عاطفی و حماسی با هم تلفیق شده و با دورن مایه اندیشه دینی شاعر سازگار است.
- روحیه مقاومت، پایداری و ایثار در شعر شاعران شیعی دمیده شده و در زندگی فردی و اجتماعی آنها کاملاً نفوذ کرده است.
- نگاه شعرا به حادثه عاشورا، نگاه یکسانی نیست و شعرا در قصائد خود جنبه‌های متفاوتی را در نظر گرفته و پیام‌های مختلفی را به خوانندگان منتقل کرده‌اند.
- شعر رثای حسینی در برخی اغراض خود، مشترک میان دو دوره و در برخی دیگر متفاوت بوده است.
- برخی از شاعران وابسته به دولت عباسی تلاش نمودند تا بنی‌عباس را منتقمان خون امام حسین (ع) معرفی کنند ولی با مقابله شاعران اهل بیت و تهاجم سخت آنان روبرو شدند.
- شعرای حسینی به خوبی توانسته‌اند ارزش‌ها و آرمان‌های علوی و حسینی را حفظ و آنها را به نسل‌های آینده انتقال دهند.
- صراحت لهجه شاعران شیعی، ربط حادثه کربلا به شورای سقیفه، طغیان بر بنی‌عباس و هجو آنها به عنوان ادامه دهندگان راه امویان در کنار خشم و نفرت از امویان از مشخصات شعر حسینی در این عصر می‌باشد.
- شعر این دوره، بیانگر غم و اندوه، احساس و عاطفه و دغدغه‌های حاکم بر روح شاعر بوده و به مانند یک تابلوی نقاشی، اوضاع و احوال حاکم بر جامعه آن روزگار را در برابر دیدگان همگان قرار می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱- به آنان مهلت می‌دهیم بی‌گمان تدبیر من متین است (اعراف/ ۱۸۳ و قلم/ ۴۵).

منابع

۱. قرآن
۲. ابن‌رشیق‌القیروانی، ابوعلی‌الحسن (۱۹۸۱ م)، العمده فی محاسن الشعر و آدابه و نقده. تحقیق محمد‌محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دارالجبیل.
۳. الأشر، عبدالکریم (۱۴۰۴ هـ/ ۱۹۸۴ م)، دعبل بن علی‌الخزاعی شاعر آل بیت دراسة تحليلية لحياته و شعره. الطبعة الثالثة، دمشق: دارالفکر.
۴. الأُمینى‌النجفی، عبد‌الحسین أحمد. (۱۴۱۰ هـ/ ۱۳۷۶ ش)، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب. الطبعة الرابعة. طهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵. دیوان ابن‌المعتز. بی‌تا. تحقیق و ضبط الدكتور عمر فاروق الطَّبَّاع. بیروت: دارالارقم بن ابی‌الارقم.
۶. دیوان ابن‌هانی‌الاندلسی (۱۴۰۰ هـ/ ۱۹۸۰ م)، بیروت: داربیروت.
۷. دیوان ابوفراس‌الحمدانی (۱۴۲۰ هـ/ ۱۹۹۹ م)، شرح خلیل‌الدُّویه‌ی. بیروت: دارالکتب العربی.
۸. دیوان دعبل بن‌لی‌الخزاعی (۱۹۸۹ م)، تحقیق عبد‌الصاحب عمران‌الدجیلی. الطبعة الثالثة. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۹. دیوان الشریف‌الرضی. بی‌تا. شرح احمد عباس‌الزهري. بیروت: المطبعة‌الادبية.
۱۰. دیوان صاحب بن‌العباد (۱۹۷۴ م)، تحقیق محمد حسین آل‌یاسین. الطبعة الثانية. بیروت: دارالقلم.
۱۱. دیوان طلّاع بن زُرّیک‌الملک صالح (۱۳۸۳ هـ/ ۱۹۶۴ م)، جمع و تبویب محمد هادی‌الامینی. الطبعة الاولى. النجف‌الاشرف: المكتبة‌الاهلية.
۱۲. دیوان کشاجم (۱۹۵۷ م)، عربستان: مكتبة جامعة الرياض.
۱۳. دیوان مهیار‌الدیلمی (۱۳۴۴ هـ/ ۱۹۲۵ م)، الطبعة الاولى. قاهره: دارالکتب المصریة.

۱۴. شُبَّر، جواد (۱۴۰۹/هـ/۱۹۸۸ م.)، أدب الطف أو شعراء الحسين من القرن الاول الهجري حتى القرن الرابع عشر. بيروت: دارالمرتضى.
۱۵. شعر (دیوان) منصور النمری (۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م.)، جمع و تحقیق الطیب العشاش. دمشق: دار المعارف للطباعة.
۱۶. شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۳۷۹ ش.)، ارزیابی انقلاب امام حسین از دیدگاه جدید. مترجم مهدی پیشوایی. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری الست فردا.
۱۷. شمس‌الدین، محمد مهدی (۲۰۰۸ م.)، واقعة كربلاء فی الوجدان الشعبی. الطبعة الثانية. بی‌جا: دار الكتاب الاسلامی.
۱۸. شهرستانی، سیدصالح (۱۴۰۳ هـ)، عزای حسین از آدم تا زمان ما. قم: انتشارات حسینی‌ه عمار زاده.
۱۹. ضیف، شوقی (۱۹۶۰ م.)، تاریخ الادب العربی. القاهرة: دارالمعارف.
۲۰. ضیف، شوقی (۱۹۷۹ م.)، الرثاء. مصر: دارالمعارف.
۲۱. طه، حمید عبدالحسیب (۱۳۸۸ هـ)، ادب الشیعة. الطبعة الثانية. مصر: مطبعة السعادة.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۳ م.)، بحار الأنوار الجامعة لدُرر أخبار الائمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۳. محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳ ش.)، دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.